

## بررسی انتقادی تحولات کاربرد منجنیق در جنگ‌های دوره اسلامی

محمد نورمحمدی نجف‌آبادی\*

حسین بیاتلو\*\*

### چکیده

منجنیق، به‌منزله سنگین‌ترین سلاح جنگی، در قرون میانه اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار بود. از این سلاح برای کوبیدن دیوارهای دفاعی و نفوذ به داخل شهرها استفاده می‌شد. در نخستین فتوحات اسلامی، منجنیق شکل ساده‌ای داشت؛ اما با گذشت زمان و به موازات تکامل و افزایش استحکام حصارهای دفاعی شهرها، منجنیق‌ها نیز روزبه‌روز تغییر کردند و تکامل یافتند؛ تا آن‌جا که در دوره اموی منجنیق‌های نفت‌انداز و آتشین ساخته شدند و در دوره عباسی، منجنیقیون به صنفی مشخص و با وظایف معلوم در سپاه بدل شدند. در نوشتار حاضر، به تاریخچه این سلاح سنگین پرتابی و نیز تحولات آن تا پایان دوره عباسی می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** منجنیق، سلاح، محاصره، فتوحات، امویان، عباسیان، جنگ.

### ۱. مقدمه

در قرون میانه، محاصره یکی از شکل‌های اساسی جنگ، در سرزمین‌های اسلامی، به حساب می‌آمد. هم‌زمان با پیشرفت سلاح‌های تهاجمی و تدافعی، حصار<sup>۱</sup> شهرها نیز تکامل می‌یافت؛ مقاومت و استحکام این حصارها به قدری بود که مهاجمان را وادار می‌کرد، برای

\* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی،  
(نویسنده مسئول) Mnoormohammadi64@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران  
Hbayatloo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

تسلط بر شهر، از ترفندها، شیوه‌ها، و ابزارهای ویژه‌ای بهره گیرند. در بین شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون محاصره، ادوات پرتابی نقش بسزایی داشت و به‌کارگیری این دسته از سلاح‌ها شیوه معمول نبردهای محاصره‌ای بود؛ تا آن‌جا که مجهزبودن یا نبودن مهاجمان و مدافعان به این‌گونه ادوات، می‌توانست سرنوشت جنگ را تغییر دهد. سلاح‌های پرتابی، با ایجاد شکاف در باروی شهر یا رخنه در دیوار قلعه، موجب فروریختن آن می‌شدند و راه را برای ورود مهاجمان به مرکز محاصره‌شده می‌گشودند.

منجنیق مهم‌ترین سلاح تهاجمی قرون میانه و اصلی‌ترین سلاح محاصره‌ای مسلمانان محسوب می‌شود. از منجنیق برای پرتاب تیر، سنگ، قیر، نفت، و هر پرتابه دیگری به سمت قلعه‌ها، دیوارها، حصارهای شهر، و استحکامات دشمن بهره می‌گرفتند. این سلاح جنگی در طی تاریخ اسلام تحولات بسیاری به خود دیده و در انواع گوناگونی ساخته و استفاده شده است. نوشتار حاضر قسمتی از مباحث مربوط به منجنیق را دربر گرفته است. نگارندگان در مقالاتی دیگر به مباحث مختلفی مربوط به این سلاح سنگین پرتابی پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها به شکل خلاصه اشاره می‌شود:

الف) «تقسیم‌بندی منجنیق‌های دوره اسلامی بر اساس سازوکار، ساختار، کارکرد، و نوع پرتابه‌های جنگی»: نگارندگان در این مقاله تقسیم‌بندی‌های مشخصی را از منجنیق‌های مورد استفاده در قرون میانه اسلامی ارائه کرده‌اند. از ویژگی‌های این مقاله می‌توان به آشنایی با نام‌های گوناگون منجنیق‌های قرون میانه، آگاهی از سازوکار و نیز نحوه تکامل، و میزان وسعت کاربرد آن‌ها در نبردها اشاره کرد.

ب) «تنوع و تکامل پرتابه‌های جنگی در دوره اسلامی»: این مقاله که اولین نوشتار در نوع خود به زبان فارسی است، به بررسی تکامل و کارکرد انواع پرتابه‌های منجنیق (سنگی، آتشین، انفجاری، و ...) می‌پردازد. اهمیت این مقاله در بازشناسی نام‌های پرتابه‌هایی است که شاید تا به امروز کارکردهای آن‌ها مشخص نبوده است.

ج) «نقش ادوات پرتابی در جنگ‌های قلعه‌ای سرزمین‌های اسلامی پیش از ابداع توپ»: در این مقاله سه نظریه درباره نقش منجنیق و دیگر ادوات پرتابی سنگین در نبردهای محاصره‌ای بررسی می‌شود. این نظریه‌ها عبارت‌اند از: تسریع عملیات فتح و تسخیر شهرها با استفاده از ادوات پرتابی به‌منزله تاکتیکی جنگی با قدرت تخریب فراوان، استفاده از ادوات پرتابی برای کاهش تلفات در مسیر تخریب استحکامات در کنار قدرت تخریب بالا، و ارتباط مستقیم میان ضریب اطمینان در موفقیت نیروهای مهاجم یا مدافع در جنگ‌های

قلعه‌ای با پیشرفت‌های فناوریانه در تولید ادوات پرتابی و افزایش مهارت فنی در به‌کارگیری این ادوات.

د) «بررسی مشاغل و نیروی کار درگیر با ادوات پرتابی سنگین در اردوهای جنگی دوره اسلامی»: در این مقاله مشاغل درگیر در اردوهای جنگی مطالعه می‌شود. مشاغل مورد بررسی در دو طبقه مشاغل نظامی مانند منجنیق‌یون و مشاغل توده مردم مانند نجار، آهنگر، و مقنی قرار می‌گیرند.

بررسی حاضر می‌کوشد، با مطالعه آثار تاریخی، تحولات کاربرد و اهمیت منجنیق را در عملیات محاصره نشان دهد. اهمیت این مطالعه هنگامی دو چندان می‌شود که نبود پژوهشی مستقل به زبان فارسی و کم‌شماربودن مطالعات و پژوهش‌های جدید به زبان عربی در این باره در نظر گرفته شود. همچنین این بررسی از سویی، به تدوین تاریخ نظامی قلمرو اسلامی کمک می‌کند و از سوی دیگر، به دلیل آمیختگی موضوع بررسی با حوزه تاریخ اجتماعی (از جمله مباحث تاریخ فناوری و تاریخ کار)، از آن رو که انبوهی از آدمیان در جریان ساخت و به‌کارگیری این ابزار جنگی مشارکت داشته‌اند، در مطالعات تاریخ اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد.

در این مقاله، از منشا پیدایش منجنیق و نظرهای مختلف درباره آن به تفکیک سخن گفته شده است و تکامل این جنگ‌افزار نزد مسلمانان، به‌منزله سلاحی پرتابی، از ساده‌ترین نوع آن در زمان پیامبر (ص) تا منجنیق‌های آتشین و کارکرد آن‌ها در دوره‌های اموی و عباسی و تشکیلات مربوط به آن بررسی شده است.

## ۲. کشفیات باستانی منجنیق

نخستین سلاح انسان اولیه سنگ بود که آن را با نیروی دست پرتاب می‌کرد و با این روش به دشمن خود آسیب می‌رساند، سپس کمان را اختراع کرد؛ پس از آن به فکر اختراع وسیله‌ای افتاد که، علاوه بر پرتاب به فواصل دورتر، قادر به انداختن پرتابه‌های سنگین‌تری نیز باشد. برای این منظور، وسیله‌ای به نام «شادوف»<sup>۲</sup> را اختراع کرد که می‌توان آن را نوعی منجنیق ابتدایی دانست (برای اطلاع از چگونگی کارکرد شادوف ← سامرائی، ۱۹۸۳: ۷۴). باستان‌شناسان یکی از منجنیق‌های اولیه را در شهر حَضْر<sup>۳</sup> کشف کرده و آن را منجنیق الحَضْر<sup>۴</sup> نامیده‌اند. حضر شهری عربی میان بین‌النهرین و جنوب غربی نینواست که، به سبب موقعیت سوق‌الجیشی‌اش، همیشه میان امپراتوری‌های ایران و روم، بر سر مالکیت

آن مناقشه بود؛ این شهر بارها از طرف قوای این دو امپراتوری محاصره شد؛ اما به سبب استحکام اسوار، نیروی جنگی فراوان، و نیز ادوات جنگی بسیار از خطر سقوط نجات یافت. سرانجام، به هنگام حمله شاپور اول ساسانی<sup>۵</sup>، در ۲۴۰-۲۴۱ م، این شهر نتوانست در برابر قوای دشمن مقاومت کند و اسوار آن به دست پادشاه ساسانی فرو ریخت (همان: ۷۸). منجنیق الحضر شاید قدیمی‌ترین منجنیق کشف شده باشد. این منجنیق که برای پرتاب سنگ و پرتابه‌های آتشین به کار می‌رفته است، در ۱۹۷۱ م کشف شد. به گفته صاحب‌نظران، این منجنیق اولین اکتشاف از این نوع سلاح در جهان است (همان؛ دبدوب، ۱۹۸۱: ۲۷۵). منجنیق الحضر بالای برجی قرار داشت که مخصوص نصب ادوات دفاعی بود؛ از این رو می‌توانست پرتابه را تا مسافت‌های بسیار دور پرتاب کند، زیرا افزون بر زاویه پرتاب و وزن پرتابه، ارتفاع دستگاه پرتاب نیز عامل مهمی در افزایش برد پرتابه به شمار می‌آید. جالب آن‌که منجنیق یادشده در بالای سور داخلی قرار داشته و فاصله میان دو سور داخلی و خارجی حدود پانصد متر بوده است. منجنیق الحضر پرتابه را با چنان شتابی پرتاب می‌کرد که از فاصله پانصد متری میان دو سور عبور می‌کرد و به قوای محاصره‌کننده شهر آسیب می‌رساند. این موضوع نشان‌دهنده قدرت و برد بسیار زیاد این سلاح است. از سوی دیگر، چون این منجنیق پرتابه را از فضای درونی شهر پرتاب می‌کرد و در معرض دید نبود، محاصره‌کنندگان قادر به تخمین مکان دقیق فرود پرتابه نبودند و غافل‌گیر می‌شدند. در شهر حضر، مجموعه‌ای از پرتابه‌های این منجنیق کشف شده است که عبارت‌اند از کره‌های سنگی به وزن ۲۷/۳ کیلوگرم (فالح عبدالرؤوف، ۲۰۰۷: ۶۷). منجنیق الحضر که اکنون در موزه موصل<sup>۶</sup> قرار دارد (همان)، از اجزای خاصی تشکیل شده است؛ هریک از این اجزا نقش ویژه‌ای برعهده داشتند و در مجموع موجب کارایی بیش‌تر سلاح می‌شدند (برای اطلاع بیش‌تر درباره این منجنیق و اجزای آن ← سامرائی، ۱۹۸۳: ۷۹؛ دبدوب، ۱۹۸۱: ۲۷۴).

### ۳. منشأ پیدایش منجنیق

استفاده از منجنیق از پنج قرن پیش از میلاد مسیح تا قرن پانزدهم میلادی رایج بود، اما مورخان در منشأ پیدایش آن اختلاف نظر دارند. برخی اختراع و به‌کارگیری آن را به ایرانیان نسبت می‌دهند (جوایلی، ۱۹۶۹: ۳۵۳-۳۵۴؛ العباسی، ۱۲۹۵: ۱۹۱)؛ عده‌ای معتقدند که این سلاح منشائی بیزانسی<sup>۷</sup> دارد (العبدی، ۱۹۷۶: ۱۲۲؛ العبدی، ۱۹۷۹: ۵۹۵) و برخی دیگر نیز

فنیقی‌ها<sup>۱</sup> را مخترع آن می‌دانند (زیدان، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۴۶). به طور کلی، می‌توان این آرا را در سه نظریه بازشناخت:

نخستین نظریه منشأ و اصل منجنیق را ایرانی می‌داند و معتقد است ایرانیان اولین کسانی بودند که در جنگ‌ها از این سلاح استفاده می‌کردند. اولین تکیه‌گاه این نظریه ریشه لغوی منجنیق است. طرف‌داران این نظریه عقیده دارند که منجنیق از کلمه فارسی «من جبه نیک» به معنای «انا ما اجودنی» مشتق شده است؛ عده‌ای دیگر نیز ریشه فارسی منجنیق را برگرفته از «من جک نیک» به معنای «الارتفاع الی الفوق» می‌دانند (← هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۱).

نظریه دوم منشأ و اصل منجنیق را به یونانیان نسبت می‌دهد. بنابر سخن طرف‌داران نظریه یادشده، اگرچه این دستاورد بعدها به بیزانسی‌ها منتقل شد اصل و ریشه آن به یونان تعلق دارد. همانند نظریه پیشین، مهم‌ترین دلیلی که از سوی مدافعان این نظریه مطرح می‌شود نیز مبتنی بر مباحث ریشه‌شناسی واژه منجنیق است؛ این محققان منجنیق را برگرفته از کلمه یونانی «مِنغانون» به معنای «اختراع بزرگ» می‌دانند. کلمه یونانی مَنغانون پس از راه‌یابی به زبان فرانسوی، به دو واژه «mangennean» به معنای منجنیق عادی یا بزرگ و «mangeonnello» به معنای منجنیق کوچک یا به اصطلاح «عراده»<sup>۲</sup> تغییر صورت می‌یابد (همان: ۱۹۲).

نظریه سوم، برخلاف دو نظریه اول، بر این مطلب پافشاری می‌کند که اعراب خود منجنیق را در زمان جاهلیت اختراع کردند و از آن سود جستند (ثعالبی، ۱۲۸۲: ۱۰؛ قلقشندی، ۱۳۳۲: ۲/ ۱۳۷؛ ابن قتیبه، ۱۹۸۱: ۲۴۱). این مورخان جذیمه‌الابرش (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱/ ۳۴۲)، مؤسس دولت تنوخیان<sup>۳</sup> (۱۳۸-۲۶۸ م)، را مخترع منجنیق می‌دانند.

برخی از مورخان معاصر، با استناد به این‌که در اشعار جاهلی هیچ دلیلی مبنی بر تأیید این نظریه یافته نشده است، به مخالفت با آن برخاسته‌اند (← عون، ۱۹۶۱: ۱۶۲). درمقابل مورخان معاصر دیگر، از جمله ابونصر (۱۹۶۳: ۹۰) و هندی (۲۰۰۴: ۱۹۴) در تأیید این نظریه سخن گفته و دلایلی را برشمرده‌اند؛ هندی در رد نظر عون شعری آورده که در آن به استفاده از منجنیق در دوره جاهلی اشاره شده است (همان؛ ← جوالیقی، ۱۹۶۹: ۳۰۶).

از طرف دیگر، بنابر برخی گزارش‌ها، اعراب جاهلی با ساخت منجنیق آشنایی داشته‌اند؛ چراکه پیامبر اکرم (ص) دو تن از نیروهای خود به نام‌های عُرَوه بن مسعود و غیلان بن سلمه را برای فراگیری صنعت ساخت و به‌کارگیری منجنیق به جَرش<sup>۴</sup>، محل استقرار عَسائنه، اعزام کرده بود (طبری، ۱۹۷۹: ۳/ ۸۱-۸۲). نتایج اکتشافات جدید باستان‌شناسی

نیز ثابت می‌کند که اعراب غساسنه، در جوار مرزهای روم، از این سلاح بهره گرفته‌اند (← الصالح، ۱۹۶۸: ۵۰۹).

از دیگر دلایل آشنایی اعراب با منجنیق، واقعه لشکرکشی اذینه، حاکم تدمر<sup>۱۲</sup>، به تیسفون در سال ۲۶۴ م است. در جریان این ماجرا شاپور به سپاهیان خود دستور داد که تمامی ابزار و سلاح‌های دفاعی را در پایتخت گردآوری کنند. هنگامی که اذینه به تیسفون رسید، آن‌جا را محاصره کرد و از منجنیق و دیگر ادوات برای فتح آن بهره برد (فالح عبدالرؤف، ۲۰۰۷: ۶۷).

گروهی دیگر از مورخان معاصر عرب، در خصوص آشنایی اعراب با منجنیق، نظر جالب‌تری دارند. این دسته از مورخان فنیقی‌ها را اولین مخترع منجنیق می‌دانند؛ بنابراین استدلال می‌کنند که چون فنیقی‌ها همان کنعانیون سواحل لبنان‌اند و کنعانی نیز یکی از لهجه‌های عربی غربی است (باقر، ۱۹۸۰: ۲۳) پس منجنیق، هم در اسم و هم از لحاظ منشأ ساخت، عربی است. این مورخان معتقدند که یونانیان نام منجنیق را از فنیقی‌ها، که عرب غربی محسوب می‌شوند، گرفتند و بعدها ایرانیان نیز، به واسطه یونانیان، عنوان و چگونگی ساخت منجنیق را از اعراب فرا گرفتند (← دبدوب، ۱۹۸۱: ۲۶۴-۲۶۵؛ سامرائی، ۱۹۸۳: ۷۶).

#### ۴. منجنیق در عصر نبوی

متون تاریخی اولین استفاده مسلمانان از منجنیق را به دوران استقرار پیامبر در مدینه نسبت می‌دهند؛ بنابر گزارش منابع متعدد، سپاه پیامبر نخستین بار در محاصره شهر طائف آن را به کار برد.

درباره این‌که چه کسی یا کسانی در این جنگ سپاه پیامبر را در به‌کارگیری منجنیق یاری کردند روایات متعددی بیان شده است؛ در برخی از این گزارشات آورده‌اند که در این نبرد، پیامبر (ص) از افراد قوم بنی‌دوس، که در حصار و تیراندازی با منجنیق مهارت داشتند، یاری جست (محمد، ۱۹۵۸: ۱۰۸)؛ همچنین به روایت مقریزی، یزید بن زعمه منجنیق و فن استفاده از آن را به مسلمانان یاد داد؛ روایت دیگری نیز حکایت از آن دارد که طفیل بن عمرالدوسی این سلاح را به اعراب معرفی کرد؛ روایاتی نیز گویای این مطلب است که منجنیق را خالد بن سعید از جرش وارد کرده است (مقریزی، ۱۹۴۱: ۱/ ۴۱۵-۴۱۸). بنا به روایتی، عروه بن مسعود و غیلان بن سلمه، هیچ‌یک، در جریان حنین<sup>۱۳</sup> و حصار طائف با

پیامبر همراه نبودند، زیرا هر دو در آن زمان برای فراگیری صنعت منجنیق و ذبابه<sup>۱۴</sup> در شهر جرش حضور داشتند (طبری، ۱۹۷۹: ۲/۸۱۵).

بسیاری از متون تاریخی درباره به کاررفتن منجنیق در جریان محاصره طائف اتفاق نظر دارند؛ ابن خلدون در گزارش واقعه محاصره طائف از سوی پیامبر، عبارت «و رماه بالمنجنیق» را ذکر می‌کند (ابن خلدون، ۱۹۵۷: ۲/۸۱۵)؛ ابن هشام نیز این مطلب را آورده و از آن با عبارت «و رماه رسول الله (ص) بالمنجنیق» یاد می‌کند؛ او به نقل از راویان موثق، پیامبر اکرم (ص) را نخستین کسی می‌داند که در دوره اسلامی از منجنیق استفاده کرد (ابن هشام، ۱۹۷۵: ۴/۹).

با همه این احوال، برخی از متون فقط به نصب منجنیق در جریان محاصره طائف اشاره دارند و از به کاربردن این سلاح در جریان این نبرد حرفی نمی‌زنند؛ برای نمونه، نویری می‌گوید که رسول خدا (ص) بر اهل طائف منجنیق نصب کرد؛ اما به استفاده پیامبر از منجنیق در این واقعه اشاره نمی‌کند (نویری، ۱۹۴۹: ۶/۱۶۵).

با رجوع به منابع تاریخی، به نمونه‌های مشابهی برمی‌خوریم که خبر از وجود منجنیق در نبردهای پیامبر می‌دهند؛ اما به این مطلب که پیامبر از این سلاح استفاده کرده است یا نه، اشاره‌ای ندارند.

یکی از این نمونه‌ها جریان محاصره خیبر به دست پیامبر اکرم (ص) است. آورده‌اند که پیامبر (ص) در این نبرد دستور به نصب منجنیق می‌دهد، اما در ادامه گزارش از به کارگیری آن ذکری به میان نیامده است؛ ظاهراً استفاده از منجنیق در جریان این نبرد فقط برای تهدید بوده و پیامبر (ص) قصد داشته است با این کار، در میان اهل خیبر، رعب و وحشت بیندازد؛ ابن خلدون نیز این نظر را تأیید می‌کند و فقط به نصب منجنیق در ماجرای خیبر اشاره دارد (ابن خلدون، ۱۹۵۷: ۲/۲۴۱؛ حلبی، ۱۹۲۹: ۲/۴۰-۴۱). بنابر گزارشی از واقدهی، پیامبر در غزوه خیبر، علاوه بر استفاده از منجنیق، تعدادی منجنیق نیز از یهودیان به غنیمت گرفت (← واقدهی، ۱۹۸۹: ۲/۶۴۸). فقط این دو گزارش، یعنی محاصره طائف و فتح خیبر، درباره استفاده پیامبر از منجنیق خبر می‌دهند.

## ۵. منجنیق در دوره خلفای راشدین، امویان، و عباسیان

پس از پیامبر، خلفای راشدین<sup>۱۵</sup> در جریان جنگ‌ها و فتوحات از منجنیق بهره فراوانی جستند، به‌ویژه کاربرد این سلاح جنگی در زمان عمر چشم‌گیر بود.

منجیق نقش بسیار مهمی در فتوحات عراق، مصر، و شام داشت و سپاهیان اسلام در محاصره شهرها و قلعه‌های مستحکم این ابزار را به کار می‌گرفتند.

در سال سیزدهم هجری قمری، ابو عبیده جراح<sup>۱۶</sup> و خالد بن ولید<sup>۱۷</sup>، دمشق را با سپاهی انبوه و گران محاصره کردند؛ محاصره هفتاد شبانه روز ادامه یافت و در این مدت شهر را با منجیق کوبیدند (طبری، ۱۹۷۹: ۳/ ۴۳۸؛ ابن عساکر، ۱۹۵۱: ۱/ ۵۱۵)؛ در سال شانزدهم هجری قمری، در جانب دیگر قلمرو خلافت اسلامی، سعد بن ابی وقاص<sup>۱۸</sup>، فرمانده فتوحات شرق، برای فتح شهر بهرسیر<sup>۱۹</sup>، پایتخت ایران شرقی، از بیست منجیق استفاده کرد (طبری، ۱۹۷۹: ۶/ ۴).

به گفته ابن عبدالحکم، در جریان فتح مصر، هنگامی که رومیان پس از حفر خندق در اطراف قلعه بابلئون<sup>۲۰</sup> و در داخل آن موضع گرفتند، عمرو بن عاص<sup>۲۱</sup> پس از رسیدن نیروی کمکی برای محاصره قلعه منجیق‌ها را کار گذاشت<sup>۲۲</sup> (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۹: ۶۲؛ عواد، ۱۹۸۷: ۳۹۸). او همچنین برای درهم کوبیدن استحکامات دفاعی شهر اسکندریه<sup>۲۳</sup> و واداشتن مردم آن به تسلیم از منجیق بهره گرفت (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۹: ۷۷؛ دحلان، ۱۹۶۸: ۷۱-۷۲).

به طور کلی، کارامدی منجیق در فتوحات اسلامی به جایی رسید که به سلاحی مهم برای مسلمانان تبدیل شد و قوای مسلمانان به هیچ وجه خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دید؛ این سلاح اساسی‌ترین ابزاری بود که مسلمانان در جریان محاصره شهرها و قلعه‌ها از آن بهره می‌بردند و به وسیله آن شهرها و قلعه‌ها را فتح می‌کردند.

اهمیت کاربرد منجیق در نبردها امویان را واداشت که به ساخت نوعی منجیق بسیار بزرگ اهتمام ورزند؛ فناوران اموی این جنگ‌افزار را با بزرگ کردن اهرم‌ها و افزایش آلات به‌کاررفته در آن ساختند (هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۵).

حجاج بن یوسف<sup>۲۴</sup> اولین کسی بود که در این دوره از منجیق استفاده کرد. او به هنگام محاصره ابن زبیر<sup>۲۵</sup> در مکه، منجیق را در بالای کوه ابوقبیس<sup>۲۶</sup> نصب کرد تا به کوبیدن مسجدالحرام (پناهگاه ابن زبیر) پردازد (مسعودی، ۱۹۷۸: ۳/ ۷۱-۷۲). این نبرد از لحاظ نوع پرتابه‌های به‌کاررفته نیز، اهمیتی ویژه دارد: پرتابه‌های آن را سنگ‌های مشتعل، نفت، پارچه‌های کتان آتشین، و ... تشکیل می‌دادند؛ پرتابه‌ها بعد از اصابت آتش می‌گرفتند و منهدم می‌شدند. حجاج بن یوسف ثقفی در رأس سپاهی مجهز روانه مکه شد. در منابع آورده‌اند که «حجاج بن یوسف ثقفی از طائف به راه افتاد و زمانی که مقدمه



لشکر به مکه رسید، منجنيق را بر کوه ابوقبيس نصب کرد» (مقدسی، ۱۹۰۹: ۷۴). آشکار است که کوه ابوقبيس بهترین مکان برای جای‌گیری منجنيق بود، زیرا این مکان بر مکه مشرف بود و پرتابه‌ها می‌توانستند کاملاً بر منطقه سیطره پیدا کنند. ابن کثیر نیز گزارش داده است که «حجاج با خود پنج منجنيق داشت که با آن‌ها مکه را از همه سو می‌کوبید و سنگ‌ها با کعبه برخورد می‌کرد» (ابن کثیر، ۱۹۸۴: ۸/۳۲۹).

فقط در روایت ویران‌شدن دیوار کعبه نیست که نام حجاج بن یوسف با منجنيق گره خورده است؛ ساخت منجنيقی بسیار بزرگ را نیز به حجاج نسبت داده‌اند. در وصف بزرگی این سلاح گفته‌اند که برای جابه‌جایی، نصب، و به‌کاربردن آن پانصد سرباز نیاز بوده است. مورخان این منجنيق را «العروس»<sup>۲۷</sup> خوانده‌اند و از همان زمان است که اعراب منجنيق‌های بزرگ را «العروس» و منجنيق‌های کوچک را «اللعبه»<sup>۲۸</sup> نامیده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۳: ۵۳۹؛ ابن اثیر، ۱۹۸۹: ۴/۵۳۷؛ هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۵).

همچنین آورده‌اند که در ۸۹ق، برای فتح بلاد سند<sup>۲۹</sup>، لشکر محمد بن قاسم ثقفی روانه آن بلاد شد و حجاج برای تجهیز آن همه تلاش خود را به‌کار گرفت و حتی منجنيق العروس را در اختیار محمد بن قاسم قرار داد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴/۵۳۷). درباره لشکرکشی محمد بن قاسم به سند نوشته‌اند که در محاصره شهر ديبيل<sup>۳۰</sup>، نخست سپاه اعراب موفق به فتح شهر نشد و در پی آن حجاج در مکاتباتی به محمد بن قاسم سفارش کرد که العروس را بر شهر نصب کرده و با آن شهر را بکوبد (بلاذری، ۱۹۸۳: ۵۳۵).

«الفحجاء» نیز از دیگر منجنيق‌های معروف اعراب است که مورخان در گزارش‌های خود از آن نام برده‌اند. قتیبه بن مسلم الفحجاء را در محاصره «ملک شومان» به‌کار برد.<sup>۳۱</sup> هرچند این شهر از استحکامات دفاعی چشم‌گیری برخوردار بود، قتیبه توانست با استفاده از منجنيق آن را فتح کند (طبری، ۱۹۷۹: ۶/۴۶۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴/۵۵۳).

مسلمه بن عبدالملک<sup>۳۲</sup>، برادر ولید بن عبدالملک (حک: ۸۶-۹۶ق / ۷۰۵-۷۱۵م)، نیز در چند نبرد از منجنيق استفاده کرد؛ از جمله هنگامی که به فرمان برادر خود به ولایت جزیره ارمینیه گماشته شد و با مردم آن‌جا به نبرد پرداخت، برای فتح شهر ارمینیه از منجنيق بهره گرفت (همان: ۵۵۴). او همچنین در محاصره شهر «طَرَنده»<sup>۳۳</sup> نیز از منجنيق سود جست<sup>۳۴</sup> (← فالح عبدالرؤف، ۲۰۰۷: ۷۱).

در این عصر پرتابه‌های منجنيق، افزون‌بر سنگ، افکندنی‌های آتشی‌مانند آتشدان، چوب‌های مشتعل، و گلوله‌های آتشی را نیز شامل می‌شد. مسلمانان از دوران معاویه، در

جنگ با رومیان، کاربرد نظامی و تخریبی آتش را فرا گرفتند. کشتی‌های مسلمانان به فرماندهی «بُسر بن ابی‌ارطاه»<sup>۳۵</sup> از تنگه «داردائل»<sup>۳۶</sup> گذشته و قسطنطنیه<sup>۳۷</sup> را به محاصره درآورده بودند. رومیان برای مقابله از آتش یونانی<sup>۳۸</sup> استفاده کردند ( *The Enclopedia of Military History*, 1970: 200)؛ کسی جز آنان از رمز و راز ترکیب این آتش خبر نداشت. آتش و مواد شیمیایی و آتش‌زا چون باران به روی ناوگان جنگی مسلمانان فرو می‌ریخت و آن را به آتش می‌کشید. حجم شعله‌ها چنان بود که مسلمانان حتی به وسیله آب هم قادر به خاموش‌کردنش نبودند؛ در نتیجه زمین‌گیر و مجبور به عقب‌نشینی شدند (بستانی، ۱۹۸۷: ۴۱-۴۴). از آن زمان مسلمانان هم کوشیدند تا از چنین ابزاری بهره‌مند شوند.

استفاده مسلمانان از آتش در جنگ، چند سال بعد، در دوران خلافت یزید آغاز شد؛ نخستین بار حُصین بن نُمیر، فرمانده سپاه یزید، در محاصره مکه، برای سرکوبی قیام عبدالله بن زبیر این ابزار را به کار گرفت. حصین منجنیق‌ها و عراده‌ها را بر فراز کوه‌های اطراف مسجدالحرام، پناهگاه ابن زبیر، مستقر ساخت؛ نیروهای حصین سنگ، آتش، نفت، و بسته‌های کتان آغشته به نفت و دیگر مواد آتش‌زا را، به وسیله منجنیق، به سوی کعبه پرتاب کردند و بخشی از آن را سوزاندند (مسعودی، ۱۹۷۸: ۷۵/۳).

در پی به‌کارگیری پرتابه‌های آتشین، برای جلوگیری از آتش‌گرفتن منجنیق، تغییراتی در ساختار آن داده شد؛ به منظور برقراری تعادل در کفه‌ای که پرتابه در آن قرار می‌گرفت و نیز پیش‌گیری از نفوذ آتش به دستگاه از مواد معدنی مخصوص، خس و خاشاک خیس، و زنجیرهای آهنی استفاده کردند (عون، ۱۹۶۱: ۱۶۶).

نمونه‌ای از کاربرد منجنیق با پرتابه‌های آتشین محاصره قلعه «فاریاب»<sup>۳۹</sup> به دست قتیبه بن مسلم است. به نقل متون تاریخی، قتیبه با پرتابه‌های آتشین قلعه را هدف گرفت و آن را به آتش کشید. این واقعه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تا آن جا که پس از این جریان منجنیق و این نوع پرتابه‌ها را «المحترقه» نامیدند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۵۳/۴).

محاصره شهر «جُرْجان»<sup>۴۰</sup>، در ۹۸ق، به دست یزید بن مهلب<sup>۴۱</sup> نیز از جمله نبردهایی است که در آن از منجنیق برای پرتاب نفت و مواد آتش‌زا استفاده شد. او پس از به محاصره درآوردن شهر، با استفاده از پرتابه‌های آتشین، آن را به آتش کشید (ابن اعثم الکوفی، ۱۹۷۴: ۲۹۶/۷).

یکی از اتفاقات مهمی که در سیر به‌کارگیری منجنیق رخ داده است، انتقال این ابزار جنگی به اندلس<sup>۴۲</sup> به دست امویان است. به گزارش ابن اثیر، امیر عبدالرحمن الداخل<sup>۴۳</sup>، در

جریان محاصره حسن بن یحیی، با استفاده از ۳۷ منجنیق، محل سکونت او را به عنوه (جنگ و زور) فتح کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵/ ۱۳۴).

اگرچه در طی دوره اسلامی، منجنیق همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است، می‌توان نقش ویژه آن را در عصر عباسیان مشاهده کرد. در این دوره منجنیق مهم‌ترین سلاح سپاه اسلام محسوب می‌شد. این اهمیت به حدی بود که در سپاه عباسی، صنف ویژه‌ای به نام «المنجنیقیون»<sup>۴۴</sup> به وجود آمد. این صنف مسئولیت ساخت، استفاده از منجنیق، و آموزش کار با آن را بر عهده داشت. از منجنیقیون بنام می‌توان به «یعقوب بن صابر منجنیقی بغدادی» اشاره کرد. اهمیت منجنیق در سپاه عباسی به همین جا ختم نمی‌شود؛ چنان‌که صنفی نیز با عنوان «الحجارین»<sup>۴۵</sup> منجنیقیون را یاری می‌دادند (هندی، ۲۰۰۴: ۱۹۶). حصار «کَمَخ»<sup>۴۶</sup> از جمله نبردهای بسیاری بود که عباسیان توانستند در آن با استفاده از منجنیق به پیروزی دست یابند. این موفقیت در ۱۴۹ ق حاصل شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵/ ۳۳۳)؛ افزون‌بر این می‌توان از محاصره شهر «هَرَقَلِیَه»<sup>۴۷</sup> بیزانس در زمان هارون الرشید، خلیفه عباسی، یاد کرد. پرتابه‌ای که او در این نبرد به کار گرفت ترکیبی از سنگ، کبریت، و نفت پیچیده شده در قطعه‌ای کتان بود که قبل از پرتاب آن را آتش می‌زدند. این پرتابه هم کوبندگی پرتابه‌هایی معمولی، مانند سنگ، را داشت و هم توان آتش‌افروزی را (انور رفاعی، ۱۹۷۳: ۱۴۸ به بعد).

از گزارش‌های برجسته‌ای که در متون تاریخی درباره کاربرد منجنیق دیده می‌شود، فتنه امین و مأمون<sup>۴۸</sup> است. این واقعه در ۱۹۷ ق روی داد و سرداران سپاه مأمون عباسی، با نصب منجنیق بر شهر بغداد، امین و یارانش را درهم کوبیدند (طبری، ۱۹۷۹: ۸/ ۴۴۵)؛ یکی از نتایج این نبرد خرابی عظیمی است که کاتبان و شاعران آن را به نظم کشیده‌اند.<sup>۴۹</sup> از دیگر پیروزی‌های عباسیان، با استفاده از منجنیق، مربوط به نبرد «عموریه»<sup>۵۰</sup> است. این نبرد در ۲۲۸ ق/ ۸۴۳ م روی داد و منجنیق نقش مهمی را در آن ایفا کرد. در نبرد یادشده، مسلمانان از برج‌های بزرگی سود جستند که ارتفاع هر یک به اندازه سور (دیوار) حصن بوده و در هر برج چهار جنگجو جای می‌گرفتند. هنگامی که جنگ میان مسلمانان و اصحاب حصن شدید شد، معتصم به منجنیق‌های بزرگ نصب شده در کنار سور فرمان آتش داد. از سوی دیگر، تعدادی منجنیق هم در محلی خاص نصب کرده بودند که دیوار حصن را فرو ریزند. به روایت مورخان، این روند تا فتح حصن ادامه داشت (یعقوبی، بی‌تا: ۲/ ۴۷۶؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/ ۴۸۰-۴۸۷).

پس از عباسیان، روند بهره‌گیری از منجنیق نزد ایوبیان و ممالیک نیز ادامه یافت و آنان در جنگ‌های صلیبی<sup>۵۱</sup> از این سلاح در سطحی وسیع استفاده کردند (برای آگاهی از کاربرد منجنیق در دوره ایوبیان و ممالیک ← نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۳).

## ۶. نتیجه‌گیری

منجنیق‌های ابتدایی نوعی ساده از این سلاح بودند که مسلمانان به‌کار می‌گرفتند. گزارش‌ها از نخستین کاربردهای منجنیق در صدر اسلام، در بهره‌گیری رسول خدا (ص) از این سلاح هم‌عقیده نیستند. در واقع، تاریخچه مستند این سلاح را باید پس از خلفای راشدین جست‌وجو کرد. در مجموع برای نتیجه‌گیری از مقاله حاضر می‌بایست سه محور اصلی را مطرح کنیم:

الف) منجنیق‌های نخستین تاریخ اسلام ساده بودند و شاید کارایی و عملکرد آن‌ها به اندازه منجنیق‌های دوره‌های بعد نبود، اما در آن برهه از زمان می‌توانستند به کار مسلمانان بیایند؛ چراکه قدرتشان تقریباً با قدرت حصارها و دیوارهای قلعه‌ها برابری می‌کرد.

ب) در دوره اموی دو تغییر اساسی در منجنیق و پرتابه‌های آن به‌وجود آمد. منجنیق‌های این دوره بزرگ‌تر و مؤثرتر از قبل شدند و جز سنگ پرتابه‌های آتشین نیز می‌افکندند. علت ساخت این پرتابه‌ها را می‌توان در رویارویی مسلمانان با آتش یونانی جست‌وجو کرد که دشمنان آن‌ها به‌کار می‌گرفتند.

ج) در دوره عباسی دو نکته اصلی درباره تحول منجنیق مشهود است: نخست، کاربرد وسیع‌تر این سلاح سنگین جنگی در نبردهای محاصره‌ای و دوم، نظام‌مند شدن فرایند ساخت، نصب، و به‌کارگیری منجنیق و ایجاد رسته منجنیقیون برای اجرای این مهم. این شکل نظام‌یافته به دوره‌های بعدی نیز انتقال یافت؛ به‌ویژه به حکومت‌های ایوبیان و ممالیک که با صلیبی‌ها بسیار درگیر بودند. در این دوران، سلاح منجنیق به اوج شکوفایی رسید.

## پی‌نوشت

۱. سور و حصار نزد اعراب دیواری دفاعی بود که، به منظور حمایت در برابر هجوم دشمنان، پیرامون شهر را فرا می‌گرفت. اسوار را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: اسواری که به دور شهرها کشیده می‌شوند مانند سور شهر دمشق؛ اسواری که قلعه‌ها را دربر می‌گیرند از قبیل سور قلعه

- حلب؛ سواری که دور قسمتی از یک کشور کشیده می‌شود همچون سور عظیم چین (← هندی، ۲۰۰۴: ۲۹۹؛ بیاتلو، ۱۳۹۰: ۱۴۴ به بعد).
۲. شادوف کارکردی بسیار ساده داشت و، برخلاف منجنیق‌هایی که پس از آن ساخته شد، دارای پیچیدگی‌های فیزیکی و مکانیکی نبود. این منجنیق از یک وزنه و یک صفحه تشکیل می‌شد. زمانی که قوای مهاجم قصد پرتاب پرتابه را داشت وزنه را به پایین می‌کشیدند؛ پس از رهاشدن وزنه، پرتابه به سمت هدف شلیک می‌شد (← سامرائی، ۱۹۸۳: ۷۴ به بعد).
۳. از شهرهای بسیار قدیمی، واقع در نزدیکی موصل که در زمان مسلمانان ویران بود. از ویرانه‌های این شهر برمی‌آید که پیش از ویرانی دارای تمدنی عظیم بوده، اما با گذر زمان از بین رفته است (← یاقوت حموی، بی تا: ۲/ ۲۶۷).
۴. از آن‌جا که این منجنیق در شهر حضر یافت شده است به این نام خوانده می‌شود. منجنیق‌الحضر منجنیقی کوچک بوده که بیش‌تر به منظور دفاع از شهر به کار می‌رفته است (← دبدوب، ۱۹۸۱: ۲۷۵ به بعد).
۵. شاپور، دومین پادشاه ساسانی، در ۲۴۱ م به تخت سلطنت نشست. از کارهای مهم او می‌توان نبرد با رومیان و به‌اسارت‌گرفتن ولرین، امپراتور روم، را نام برد (← اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۰۵).
۶. موزه‌ای در شمال عراق که دارای اشیای بسیار گران‌بها و تاریخی است. این موزه یک بار در ۲۰۰۳ م غارت شد.
۷. بیزانس یا امپراتوری روم شرقی شاخه‌ای از امپراتوری روم است که پس از انقراض امپراتوری روم غربی به دست هون‌ها شکل گرفت و برای قرن‌ها به حیات خود ادامه داد. این امپراتوری برخوردارهای بسیاری با دولت‌های اسلامی، از جمله امویان و عباسیان، داشت. سرانجام، امپراتوری روم شرقی با تسخیر پایتخت آن، قسطنطنیه، به دست محمد فاتح، سلطان عثمانی، از بین رفت؛ برای آگاهی بیش‌تر از تاریخ روم و بیزانس ← ماله، ۱۳۸۳: ۵/ ۲، ۳۶۰.
۸. فنیقی‌ها مردمی کارآزموده و دریانورد بودند و ابداعات و اختراعات بسیاری به آن‌ها منصوب است. تمدن آنان بعدها الگوی بسیاری از حکومت‌های دیگر شد. از شهرهای مهم فنیقیه، صور و صیدا در ساحل شامات است که از نظر صنعتی اهمیت بسیاری داشتند (← ماله، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۰۹).
۹. عراده جنگ‌افزاری پرتابی شبیه منجنیق، ولی کوچک‌تر از آن است. عراده‌ها برای پرتاب سنگ و تیر به کار گرفته می‌شد؛ درواقع، عراده شبیه‌ترین وسیله به خماره‌اندازه‌های سبکی است که تیرهای آن متوجه موقعیت‌های دشمن در میدان نبرد می‌شد. همچنین، عراده وسیله‌ای از آلات حصار است که با آن نفت مشتعل را به مسافت‌های دور پرتاب می‌کردند (← عواد، ۱۹۸۷: ۴۰۲؛ سوید، ۱۹۸۱: ۵۹).

۱۳۰ بررسی انتقادی تحولات کاربرد منجیق در جنگ‌های دوره اسلامی

۱۰. از دولت‌های شمالی جزیره‌العرب در دوره پیش از اسلام است (← فیاض، ۱۳۸۲: ۳۳).
۱۱. شهری در اردن کنونی (← یاقوت حموی، بی تا: ۱۲۷/۲).
۱۲. واحه‌ای در بادیة‌الشام، واقع در شمال شرقی دمشق، که بر سر راه بازرگانی شمالی یعنی راه خلیج فارس به شام و مصر قرار داشت (← یاقوت حموی، بی تا: ۱۷/۲).
۱۳. منطقه‌ای نزدیک مکه که فقط سه شب با آن فاصله دارد (← یاقوت حموی، بی تا: ۳۱۳/۲).
۱۴. دبابه یکی از آلات محاصره بود و با آن حصار شهر را ویران می کردند. این سلاح را معمولاً چند مرد حمل می کردند و در هنگام محاصره آن را با شدت به دیوار شهر می کوبیدند و موجب تخریب آن می شدند (← طبری، ۱۹۷۹: ۸۴/۳؛ ۶۵/۹).
۱۵. جانشینان پیامبر (ص): ابوبکر، عمر، عثمان، و علی بن ابی طالب (ع) (فیاض، ۱۳۸۲: ۱۱۳).
۱۶. از سرداران معروف اسلام که نقش بسیار مؤثری در فتوحات داشت. او در برخی از نبردهای دوران پیامبر (ص) نیز شرکت جست. ابو عبیده در ماجرای طاعون عمواس وفات یافت (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۷۹۳/۲).
۱۷. یکی از اشراف قریش که در سال هفتم هجری قمری اسلام آورد. خالد نقش بسیار بارزی در فتوحات ایران و شام داشت و بسیاری از مناطق به دست او گشوده شد. خالد در سال ۲۱ ق و در حمص درگذشت (← ابن حجر، ۱۹۹۵: ۲۱۵/۲).
۱۸. از سرداران مشهور عرب و فاتح ایران. او در زمان عمر والی کوفه بود. درباره زمان وفات او میان سال‌های ۵۱، ۵۶، ۵۷ و ۵۸ ق اختلاف وجود دارد (← ابن حجر، ۱۹۹۵: ۶۱/۳؛ ابن اثیر، ۱۹۸۹: ۲۱۴/۲).
۱۹. شهری از نواحی سواد بغداد نزدیک مدائن (یاقوت حموی، بی تا: ۵۱۵/۱).
۲۰. شهری قدیمی در مصر و از اولین مواضعی که مسلمانان در مصر گشودند (← یاقوت حموی، بی تا: ۳۱۱/۱).
۲۱. از مردان بسیار زیرک عرب که پیش از فتح مکه ایمان آورد. عمرو بن عاص مصر را فتح کرد و از سال ۳۸ ق تا زمان وفاتش، یعنی سال ۴۳، والی گری مصر را در عهد معاویه برعهده داشت (← ابن حجر، ۱۹۹۵: ۵۳۷/۴).
۲۲. بنابر گزارش منابع، او شعری نیز بدین مضمون سرود:  
یوم لهمدان و یوم للصدف والمنجیق فی بلی تختلف
۲۳. از شهرهای بزرگ و مشهور مصر که به دست عمرو بن عاص گشوده شد (← یاقوت حموی، بی تا: ۱۸۳/۱).
۲۴. از سرداران مشهور عرب و والی عراق در عهد عبدالملک مروان. از کارهای درخشان او می توان به سامان دادن امور عراق و دفع فتنه ابن زبیر اشاره کرد (بلعمی، ۱۳۷۸: ۷۸۲/۴، ۷۸۹).

۲۵. پسر زبیر بن عوام صحابی مشهور. او در مکه ادعای خلافت کرد و شش سال بر این مسند تکیه داشت، تا این که به دست حجاج بن یوسف ثقفی گرفتار و کشته شد. در این واقعه کعبه و مکه نیز آماج حملات منجیق‌ها قرار گرفت و سوخت (← بلعمی، ۱۳۷۸: ۴/ ۷۸۲).

۲۶. کوهی مشرف به مکه (یاقوت حموی، بی تا: ۱/ ۸۰).

۲۷. درباره دلیل عروس نامیدن این منجیق در منابع گزارشی یافت نشد، اما بنابر گزارش‌های موجود، این منجیق سلاحی سنگین و بزرگ بود که پنجاه مرد آن را حمل می‌کردند (← ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴/ ۵۳۷).

۲۸. از آن جا که منجیق‌های موسوم به عروس بزرگ و سنگین بوده‌اند، به نظر می‌رسد که اطلاق لفظ لعبه (بازیچه، عروسک) به منجیق‌های کوچک‌تر به دلیل جنه کوچک‌تر آن‌ها در مقابل منجیق‌های موسوم به عروس بوده باشد.

۲۹. سرزمینی میان هند و کرمان و سجستان. بلاد سند دارای پنج کوره بود که عبارت بودند از: مکران، طوران، سند، هند، و مولتان (← یاقوت حموی، بی تا: ۳/ ۲۶۷).

۳۰. شهری مشهور بر ساحل دریای هند (یاقوت حموی، بی تا: ۲/ ۴۹۵).

۳۱. ملک شومان از پادشاهان معروف و قدرت‌مند بلاد سجستان بود و محل حکمرانی‌اش استحکام چشم‌گیری داشت. قتیبه بن مسلم که از سرداران مشهور و کشورگشای دوره اموی است، از منجیق فحشاء برای گشودن قلعه شومان بهره برد و چندین بار شهر را کوبید. سنگ‌های منجیق به مقر ملک شومان برخورد کرد، بسیاری از مردم کشته شدند، و قلعه به عنوه گشوده شد (← طبری، ۱۹۷۹: ۱/ ۴۶۳).

۳۲. از فرماندهان مشهور اموی که نقش بسیار بارزی در پیش‌برد حرکت جهاد در جبهه روم برعهده داشت (← خلیفه بن خیاط، ۱۹۹۵: ۱/ ۳۰۵-۳۰۶؛ طبری، ۱۹۷۹: ۶/ ۴۳۴، ۴۳۹).

۳۳. شهری از توابع ملطیه در بلاد روم (یاقوت حموی، بی تا: ۴/ ۳۲).

۳۴. نایغه شیبانی این واقعه را در دو بیت شرح داده و درهم‌کوبیده‌شدن این شهر را این‌گونه بیان می‌کند:

اخزى طرنده منه وابل یرد و عسكر لم تفقه العزل الجوف

مازال مسلمه الميمون يحصرها و ركنها بثقال الصخر مقذوف

۳۵. از اصحاب پیامبر (ص) و همچنین از فرماندهان اموی. بسر در فتح مصر عمرو را یاری داد (← ابن عبدالبر، ۱۹۹۲: ۱/ ۱۶۴).

۳۶. Hellespont یا تنگه داردانل امروزی که دریای اژه را به دریای مرمره متصل می‌سازد (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

۳۷. مهم‌ترین شهر روم که ساخت آن به قسطنطین امپراتور روم منسوب است (← یاقوت حموی، بی تا: ۴/ ۳۴۷).
۳۸. ماده اولیه «آتش یونانی» ترکیب نفت با مواد دیگر از قبیل چربی و گوگرد بود که به قابلیت اشتعال و چسبندگی آن می‌افزود. این ماده مایعی آتش‌زا بود که به سوی افراد، کشتی‌ها، و نیز آلات چوبی به کاررفته در محاصره‌ها پرتاب می‌شد. این ماده جدید نیز نفت نام داشت. نفاط یا زراق آتش یونانی را با لوله مسی مخصوصی، به نام نفاطه یا زراقه، پرتاب می‌کرد. این وسیله نخستین نمونه شعله‌افکن‌های کنونی و شبیه تلمبه‌های قدیمی مأموران آتش‌نشانی در قسطنطنیه بود. همچنین آتش یونانی را می‌توانستند در قرویه قرار دهند و با وسایل گوناگون پرتاب یا به شیوه چینی، از طریق جای‌دادن در محفظه‌های فشنگ‌مانند متصل به تیرها، پرتاب کنند. دستگاه پرتاب به نام «آتش‌انداز یونانی» در ایران شناخته شده بود. این دستگاه را به خصوص نفت‌اندازان به کار می‌بردند. این نوع سلاح‌ها فقط مخصوص ایرانیان بود. شعوبیه نیز آن را از اعراب گرفتند؛ در حالی که، اعراب خود آن را از ایرانیان قدیم اخذ کرده بودند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲/ ۳۷۶-۳۷۸).
۳۹. از شهرهای مشهور خراسان در نزدیکی بلخ در قسمت غربی جیحون (یاقوت حموی، بی تا: ۴/ ۲۲۹).
۴۰. شهری مشهور میان طبرستان و خراسان (یاقوت حموی، بی تا: ۲/ ۱۱۹).
۴۱. یزید بن مهلب از رجال نامی دوران اموی است. حجاج او را به مقام والی خراسان منصوب و سپس عزل کرد (← بلعمی، ۱۳۷۸: ۴/ ۸۰۴، ۸۱۲، ۸۵۰، ۸۷۹).
۴۲. اندلس یا اسپانیای اسلامی که در سال ۹۲ق و در دوران ولید بن عبدالملک اموی فتح شد. اندلس نزدیک به هشت قرن در دست مسلمانان بود؛ تا این که مسیحیان با ائتلاف ایزابلا و فردیناند آن‌جا را باز پس گرفتند (← آیتی، ۱۳۷۶: ۹).
۴۳. پس از انقراض امویان به دست عباسیان، عبدالرحمن از بازماندگان اموی توانست خود را به اندلس برساند و دولت امویان اندلس را تأسیس کند (← آیتی، ۱۳۷۶: ۴۰).
۴۴. منجنیقون رسته‌ای بودند که در نصب منجنیق و کار با آن مهارت داشتند. اینان رفته‌رفته در سپاه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافتند (← نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۹۷).
۴۵. حجارین افرادی ماهر در زمینه ایجاد خلل و حفره در حصار شهر بودند؛ همچنین اغلب پرتابه‌های سنگی مدور منجنیق را نیز تهیه می‌کردند (← ذهبی، ۱۹۹۳: ۴۹/ ۳۲؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۸/ ۵۸۴۴).
۴۶. شهری در روم (یاقوت حموی، بی تا: ۴/ ۴۷۹).
۴۷. شهری معروف و آباد در بلاد روم که به عنوه فتح شد (← یاقوت حموی، بی تا: ۵/ ۳۹۸).



محمد نورمحمدی نجف‌آبادی و حسین بیاتلو ۱۳۳

۴۸. پس از مرگ هارون الرشید، امین برادرش مأمون را از ولایت عهدی عزل کرد و آتش کینه میان دو برادر زبانه کشید؛ سرانجام، درگیری دو برادر، به کشته شدن امین و خلافت مأمون ختم شد؛ برای آگاهی تفصیلی از این درگیری ← خضری، ۱۳۸۳: ۶۴ به بعد.

۴۹. یکی از شعرا در وصف خرابی‌های بغداد پس از کوبیده شدن با منجنیق‌های مأمون، این‌گونه سروده است:

اصابت‌ها من حساد عین فافتت اهل‌ها بالمنجنيق  
فقوم احرقوا بالنار قسرا و نأحه تنوخ علی غریق

(← احمد رفاعی، ۱۹۲۷: ۳/۳۰۵)

۵۰. شهری در روم (← یاقوت حموی، بی تا: ۴/۱۵۸).

۵۱. مجموعه جنگ‌های مسیحیان غرب اروپا با مسلمانان که حدود دویست سال (قرن پنجم تا هفتم) به طول انجامید. در این مدت مجموعاً هشت نبرد صورت گرفت؛ برای آگاهی بیش‌تر ← عودی، ۱۳۷۵: ذیل «جنگ‌های صلیبی».

## منابع

آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۶). *اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا*، تهران: دانشگاه تهران.  
ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد الجزری (۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م). *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دارالفکر.  
ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر- داربیروت.

ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد (۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م). *الفتوح*، هند، حیدرآباد دکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانیه.  
ابن حجر العسقلانی (۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م). *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد المغربی (۱۹۵۷ م). *تاریخ ابن خلدون، العبر، بیروت: دارالکتب البنانی*.  
ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م). *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تصحیح علی محمد البجاویع، بیروت: دارالجلیل.

ابن عبدالحکم، عبدالرحمان بن عبدالله (۱۹۲۹ م). *فتوح مصر و اخبارها*، لیدن: به ریل.  
ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۹۵۱ م). *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق سلاح‌الدین المنجد، دمشق: الترقی.  
ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۹۸۱ م). *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره: دارالمعارف.  
ابن کثیر، ابوالفداء حافظ بن کثیر دمشقی (۱۹۸۴ م). *البدایه و النهایه*، بیروت: مکتبه المعارف.  
ابن هشام، ابو محمد بن عبدالملک (۱۹۷۵ م). *سیره ابن هشام*، تحقیق طه عبدالرؤوف سعد، بیروت: دارالجلیل.

پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

## ۱۳۴ بررسی انتقادی تحولات کاربرد منجنيق در جنگ‌های دوره اسلامی

- ابونصر، عمر (۱۹۶۳ م). *سیوف امیه فی الحرب و الاداره*، بیروت: المكتبة الاهليه.
- احمد رفاعی، فرید (۱۹۲۷ م). *عصر المأمون*، قاهره: دارالکتب المصریه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ ایران*، تهران: علم.
- انور الرفاعی (۱۹۷۳ م). *نظم الحضاره الاسلامیه*، دمشق: دارالفکر.
- باقر، طه (۱۹۸۰ م). *من تراثنا اللغوی القادیم ما یسمى فی العربیه بالدخیل*، بغداد: المجمع العلمی العراقی.
- بستانی، بطروس (۱۹۸۷ م). *المعارک العرب فی الشرق و الغرب*، لبنان: دار مارون عبود.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۹۸۳ م). *فتوح البلدان*، بیروت: منشورات الهلال.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸). *تاریخ‌نامه طبری*، تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.
- بیاتلو، حسین (۱۳۹۰). «حصارها، دروازه‌ها و قهندزها: بررسی موردی هشت شهر اسلامی و اسلامی شده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- تنوی، قاضی احمد و آصف‌خان قزوینی، (۱۳۸۲). *تاریخ الفی*، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ثعالبی (۱۲۸۲ ق). *اللطائف و الظرائف فی المحاسن و الاضداد*، چاپ سنگی.
- جوالبقی، ابی منصور (۱۹۶۹ م). *المعرب من الکلام العجمی علی حروف المعجم*، تحقیق و شرح احمد محمد شاکر، قاهره: دارالکتب.
- خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م). *تاریخ خلیفه بن خیاط*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خضری، احمدرضا (۱۳۸۳). *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران: سمت.
- حلبی، علی بن برهان‌الدین (۱۹۲۹ م). *انسان العیون فی سیره الامین و المأمون*، معروف به *السیره الحلویه*، قاهره، بولاق.
- دبدوب، فیصل (۱۹۸۱ م). «المنجنيق فی الجیوش و الاساطیل العربیه»، بین التحرین، ش ۳۴ و ۳۵.
- دحلان، السیداحمد بن الزینی (۱۹۶۸ م). *الفتوحات الاسلامیه*، بیروت، مؤسسه الحلوی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.
- سامرائی، عبدالجبار محمود (۱۹۸۳ م). «المنجنيق من اسلحة القديمه عند العرب»، التراث شعبي، س ۱۴، ش ۵ و ۶.
- سامرائی، عبدالجبار محمود (۱۹۸۶ م). «تقنيه السلاح عند العرب»، المورد، ج ۱۵، ش ۱.
- سوید، یاسین (۱۹۸۱ م). *معارک خالدین ولید*، بیروت: المؤسسة العربیه لدراسات و النشر.
- سیسیلی، دیودور (۱۳۸۴). *ایران و شرق باستان در کتاب‌خانه تاریخی*، ترجمه حمید بیکنس و اسماعیل سنگاری، تهران: جامی.
- الصالح، صبحی (۱۹۶۸ م). *النظم الاسلامیه نشأتها و تطورها*، بیروت: دارالعلم الملاعین.

محمد نورمحمدی نجف‌آبادی و حسین بیاتلو ۱۳۵

طبری، ابوالقاسم محمد بن جریر (۱۹۷۹ م). *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.

مرتضی عاملی، سیدجعفر (۱۳۷۵). *سلمان فارسی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

العباسی، حسن بن عبدالله (۱۲۹۵ ق). *آثار الاول فی تربیت الدول*، قاهره: بولاق.

العبدی، صلاح (۱۹۷۹ م). «المنجیق سلاح فی ضوء التنقیبات الاثریه»، *کلیه الآداب*، بغداد: جامعه بغداد.

حسین، صلاح (۱۹۷۶ م). «منجیق من الحضرة»، *سومر*، جزء ۱ و ۲، ج ۳۲، بغداد.

عواد، محمود احمد محمد سلیمان (۱۹۸۷ م). *الجیش و القتال فی صدر الاسلام*، اردن: مکتبه المنار.

عودی، ستار (۱۳۷۵). «جنگ‌های صلیبی»، *دانش‌نامه جهان اسلام*، غلام‌رضا حدادعادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

عون، عبدالرؤف (۱۹۶۱ م). *الفن الحری فی صدر الاسلام*، قاهره: دارالمعارف.

فالح، عبدالرؤف (۲۰۰۷ م). *قصی، الهندسه العسگریه فی فتوحات الاسلامیه*، بغداد: الدار الشؤون الثقافیه العامه «آفاق عربیه».

فیاض، علی اکبر (۱۳۸۲). *تاریخ اسلام*، تهران: دانشگاه تهران.

قلقشندی (۱۳۳۲ ق). *صبح الاعشی فی صناعة الانشا*، قاهره: الامریه.

ماله، آلبر (۱۳۸۳). *تاریخ آلبر ماله*، ترجمه عبدالحسین هژیو، تهران: سمیر.

محمد، فرج (۱۹۵۸ م). *العبقریه العسگریه فی غزوات الرسول*، قاهره: دارالفکر العربی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی (۱۹۷۸ م). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق یوسف اسعد داغر، بیروت: دارالندلس.

مقدسی، البشاری (۱۹۰۹ م). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، لیدن: بریل.

مقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی (۱۹۴۱ م). *امطاع الاسماء*، تحقیق محمود محمد شاکر، لجنه التألیف و الترجمة و النشر.

نورمحمدی نجف‌آبادی، محمد (۱۳۹۰). «نقش ادوات پرتابی در جنگ‌های قلعه‌ای سرزمین‌های مصر، شام، ایران، عراق و آسیای صغیر در دوره اسلامی پیش از ابداع توپ»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب (۱۹۴۹ م). *نهایه الارب فی فنون الادب*، قاهره: دارالکتب المصریه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ه / ۱۹۸۹ م). *المغازی*، مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه العلمی.

هندی، احسان (۲۰۰۴ م). *الاسلحه و آلات القتال عند العرب و المسلمین*، دمشق: مرکز الدراره العسگریه.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الرومی البغدادی (بی‌تا)، *المعجم البلدان*، بیروت: دارصادر.

یعقوبی، احمد بن واضح (بی‌تا). *تاریخ آل یعقوبی*، بیروت: دارصادر.

*The Encyclopedia of Military History* (1970). Dupuy, Ernest and teror dupuy, London: Macdonald.

پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱